



مانسنا مہرچی

شماره چهارم | تیرماه نود و سه

مهدی مرادی زاده | عکس
امید عبدالهی | سینما
اصغر نریمانی | شعر
حسین نفیسی | موسیقی
احسان زیور عالم | تئاتر
ابوالفضل قاضی | داستان
احسان میرحسینی | تجسمی
منیژه آقائی | روانشناسی
احسان نفیسی | وبلاگ
نوا ثابت ایمانی | تصویرسازی





- Cedarkey

برای بالا بردن درکمان از عکس لازم است مهارت در آنالیز بصری را در خود پرورش دهیم. در صورتیکه دیگران بحث در مورد مفهوم عکسها را ارجحیت می نهند، نیاز فراوانی به آموختن و شناخت فرمهای استفاده شده در آثار بصری احساس می شود. بررسی فرم بر روی المان هایی که به یک اثر هنری فرم می بخشد تمرکز می کند. المان هایی مانند: شکل، اندازه، بافت و ...

آنالیز فرم یک زبان پایه و مشترک در هنرهای بصری بوجود می آورد. هر چند که توصیف یک عکس تنها بر اساس بررسی فرمهای شکل دهنده آن نمی تواند کامل باشد. عکاسان در هنگام ثبت اثرشان در مورد هر دو مقوله ترکیب بندی (ترکیب المان های بصری) در کنار محتوا (مفهوم) تصمیم می گیرند. پس در کنار فرم درک مقصود هنرمند برای عکاسی از یک شیء بخصوص نیز حائز اهمیت است. و در آخر سبقه تاریخی و اجتماعی زمانی که عکس در آن به ثبت رسیده کامل کننده خوانش آن می شود.

نکته مهم آن است که هر عکس قادر به خلق تفسیرهای گوناگون است. پس اطلاعاتی که در کنار هر عکس ارائه می شود باید تنها نقطه آغازین برای بوجود آوردن بحث و تفکر باشد نه یک تفسیر قاطع. هرگز تنها یک پاسخ صحیح در تفسیر هنری وجود ندارد.

منبع: <http://nuovo.com/southern-images/analyses.html>



Dock-

بیش از شصت سال است که از درگذشت سرگئی میخائیلویچ آیزنشتاین کارگردان و تئورسین سینما می‌گذرد. در طول این سالها فیلم‌های بیشماری در سبک‌ها و سلیقه‌های مختلف ساخته شده‌اند. اما هنوز هم صحیح‌ترین و ناب‌ترین نوع فیلمسازی، آن روشی است که آیزنشتاین برای ساختن فیلم توصیه می‌کند. در این شیوه، بازگو کردن داستان همیشه از طریق برش‌ها، یا به عبارت دیگر از طریق کنار هم قراردادن تصاویری تصریف نشده انجام می‌شود. یعنی همان‌گونه که در تصریف یک فعل، با افزودن یا کاستن حروفی به اصل آن، مفاهیم مختلفی را القا می‌کنیم که با نفس معنای آن تفاوت‌هایی دارند، چنین حالتی در ارائه تصویر نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. (مثلاً کلماتی چون رفت، می‌روم و خواهم رفت شکل‌های تصریف شده‌ای از مصدر "رفتن" اند و کلمه‌ی "رفتن" وضعیت تصریف نشده‌ی آن است). بر اساس نظریه‌ی آیزنشتاین بهترین تصویر، تصویری است که دخل و تصرفی ریشه‌ای در آن نشده باشد، مثلاً نمایی از یک فنجان، نمایی از یک قاشق یا یک درخت. در سینمای ناب وظیفه‌ی فیلمساز بازگوکردن ساده‌ی داستان از طریق به دنبال هم آوردن تصاویر تصریف نشده است.

اصغر نریمانی



Close_aboard -

لب تاب پیش تو می‌آیم
از فکرها
از دامنه‌ها
از براده‌های عشق پیش تو می‌آیم
همه می‌فهمند آخر داستان
فریدون آب می‌خورد ولی
ولی برای چه اینجاست
در آینه گل سفید کوچک یاسمن خندید
و من درست فهمیدم که شکلات مرگ
چقدر شیرین است



Crossing -

چه بی دفاع شده بود از هجوم هجو و ابتذال گوشهایش در مقابل آنچه
ک می گفتند موسیقی ست اما او با آن غریبه بود. می گفت موسیقی
معجزه است. در هر شنیدنی گویی احساسی عمیق در او رخنه می کرد.
پر میشد از شادی، غم، صلح و خشم؛ اما شهر پر شده بود از طعم تلخ
هیاهویی که حالا ذائقه موسیقیایی مردمانش بود. مردم زیر لب چه
زمزمه می کردند؟! آن همه نغمه چه شده بود؟!
می گفت موسیقی باید اصالت داشته باشد و اینجا اصیل ترین صدا سکوت
است. بعد از نشنیدنهایش دیگر کمتر او را می دیدم. اما حالا خوش حال
بود.



Shirt -

در جستجوی فارسی در باب فراتئاتر چیزی جز یک کتاب و چند مقاله خرد، چیزی نصیبمان نمی‌شود. وقتی لیونل آبل عبارت فراتئاتر را -در کتاب تراژدی و فراتئاتر: مقالاتی درباره شکل دراماتیک (۲۰۰۳)- ابداع کرد، دیدگاهش در موضع انتقادی بود؛ برخلاف ایران که در موضع تحلیلی است. آبل فراتئاتر را بازتاب‌دهنده توامان کم‌دی و تراژدی تشریح کرد، جایی که مخاطب می‌تواند همزمان با همذات‌پنداری با قهرمانش، به وی بخندد. فراتئاتر به مثابه آگاهی بشر در اثر متجلی می‌شود، نه پذیرش نرم‌های متعین اجتماعی. در فراتئاتر شخصیت‌ها در انتظار زندگی نیستند؛ بلکه بخشی از آن می‌شوند تا واقعیت را جایگزین توهم کنند، آن هم در دنیایی که فاقد خواسته‌های آنان است. در واقع شخصیت از وجوه تئاتریش آگاه می‌شود.

آنچه مسلم است فراتئاتر بخشی از فرایند تبدیل تئاتر مدرن به تئاتر پست‌مدرن است، تئاتری که در قرن بلبشوها، آن را بازنمایی می‌کند، آن را متجلی می‌کند و در هم می‌شکند.

ریچارد هارنبای در کتاب درام، فرادرام، ادراک (۱۹۸۶) پنج تکنیک پیرامون وجوه فراتئاتر بنا نهاده است: ۱- تشریفات در نمایش، ۲- نقش بازی کردن توسط یک نقش، ۳- ارجاع به واقعیت، ۴- خودارجاعی درام و ۵- نمایش در نمایش. تکنیک‌ها اشاره شده همگی در کنار هم می‌توانند از وجوه نمایش پست‌مدرن باشند.

سرما به راحتی از میان شکاف لباس‌های شماره‌دار زندان، به اعماق بدنمان نفوذ می‌کرد. ما پنج نفر بودیم و گرگ‌های زوزه کشی که صداشان هم دور بود هم نزدیک. چشمان من هر بار که به سیاهی می‌رفت با صدایی نزدیک باز می‌شد و با صدایی دور بسته. شماره A۲۵ هنوز زانو به بغل خیره به آتش نشسته بود. اگر نور آتش روی شماره کنار پیرهنش نمی‌افتاد، هرگز نمی‌فهمیدم به جز خودم، کدام یک از چهار مرد دیگرست. سرها گمشده در کلاه‌های پشمی، ریش‌ها بلند و یخ‌زده، صورت‌ها سرخ، زیپ‌ها بالا کشیده تا زیر گردن و قوز کرده، تنها تفاوت ما رقم یکان شماره‌ها مان بود.

صدای زوزه نزدیک شد. چشمانم به سختی آتش را تشخیص داد. هنوز مثل مجسمه روبرویم نشسته بود. تاریکی باز همه جا را فراگرفت. به خودم دل‌داری دادم که بالاخره خودش خسته می‌شود و می‌خوابد... صدا نزدیک شد. شعله آتش نفس‌های آخر را می‌کشید. نفر پنجم گروه، هنوز اصرار داشت تا نگهبان آتش باشد. نگهبانی بی بخار... بی بخار!

بخار نفس‌هایم جلوی دیدم را گرفته بود. نفس کشیدن خودم را فراموش کردم و چند لحظه به او خیره شدم. گوشم را به سمتش چرخاندم... نه! صدایی از طرف او نمی‌آمد. چهار دست و پا آتش را دور زدم تا به نزدیکی‌اش رسیدم. نگاهی به سه نفر دیگر انداختم. دودکش همه به راه بود.

من به سرجایم برگشتم. تا صبح صدها بار صدای زوزه گرگ‌ها از دور و نزدیک می‌آمد و ما باید برای پیاده روی طولانی فردا آماده می‌شدیم... تاریکی دنیایم را فراگرفت.

شب بود. فقط سرما بیدار بود و گرگ‌های زوزه کش | ابوالفضل قاضی



Kids -

قورباغه | احسان میرحسینی



Shoeshop -

تفاوت دیدگاه و کارکرد بین سیستم آموزش هنرهای تجسمی (هنرستان‌ها، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های هنری) و همچنین گالری‌ها و جشنواره‌های هنری که در ایران وجود دارد، باعث شده است که هنرآموزان و دانشجویان هنری را تا مرز گیجی و سردرگمی پیش برد.

علاوه بر تفاوت، ضعف علمی و مدیریتی در هر کدام از این سیستم‌ها نیز مانع از به وجود آمدن فرد یا جریانی تاثیرگذار در فضای هنری شده است. جای خالی فرایندی که تمام این موارد را در مسیر مناسب قرار دهد و در کنار نقد صحیح بستری مناسب را در جهت خلق اثری هنری فراهم آورد بسیار احساس می‌شود. در غیر این صورت اگر اوضاع هنری به همین شکل پیش برود کسانی گلیم خود را می‌توانند در دنیای هنر از آب بیرون بکشند که قواعد بازی را یاد گرفته باشند نه قواعد هنری را.

خشونت علیه مردان در خانواده | منیژه آقائی



cookshack -

یکی از گونه‌های خشونت خانگی ست که به علل پرشماری از آن غفلت شده است. آنچه به مردان آسیب عاطفی و روانی وارد می‌کند با زنان متفاوت است، به طور مثال مردی را بزدل، ناتوان و شکست‌خورده بخوانند. در واقع تحقیر مرد در حضور مردان دیگر بسیار بدتر از آزارهای بدنی برای اوست. خشونت زنان با شوهران خود در پایین‌ترین درجه به صورت علایم غیر کلامی مانند: بی‌اعتنایی و حالات چهره و اجتناب وضعیت بدنی ست. قهر کردن درجه بالاتری ست که زن رابطه کلامی و غیر کلامی خود را با همسر قطع می‌کند. خشونت کلامی به صورت انتقاد تند، زخم زبان، ناسزاگویی و داد و فریاد است و خودداری از روابط جنسی، رفتاری به ظاهر انفعالی ولی در واقع سلطه جویانه و پرخاشگرانه است. خشونت بدنی با شوهران کمتر از زنان سر می‌زند، گرچه زن عامل خشونت نیست ولی از افراد دیگر مانند: فرزندان یا خویشان خود برای آسیب بدنی به مرد کمک می‌گیرد.

ما بی خودی ها | احسان نفیسی



After rain -

ما آدم‌های بی خودی همیشه خوبیم. جایی، بین خودی‌ها و غیر خودی‌ها طبقه‌بندی می‌شویم. بیشترِ صحبت‌های مهم‌مان در تاکسی می‌گذرد و مهم‌ترین فعالیت‌مان نیز در جامعه‌ای ب نام فیس بوک شکل می‌گیرد. همیشه ناراضی هستیم ولی حاضر نیستیم کمی تکان بخوریم. ما آدم‌های بی‌خودی از آن مقوله‌های تاریخ سازیم، از آن‌ها که هیچ جور نمی‌توانند محاسبه شوند! راستش ما آدم‌های بی‌خودی خیلی خوبیم.

نوا ثابت ایمانی





تحریریه این شماره
شهاب آبروشن

طراحی گرافیک
گروه طراحی "جی"

برای ارسال نظر، پیشنهاد و همچنین
مطالب مرتبط با ماهنامه با این نشانی
در تماس باشید.

gesign@outlook.com

عکس های روی جلد، صفحه عناوین و صفحه آخر از
Joel Peter Witkin

